

نقدی فقهی بر ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلام (دیہ بیضه)

روح الله اکرمی*

چکیده

فقیهان امامیه بر ثبوت دیه کامل در از بین رفتن هر دو بیضه اجماع دارند. با وجود این، چگونگی توزیع دیه میان دو بیضه محل اختلاف است. مشهور فقیهان، مستند به عمومات ناظر بر تنصیف دیه در اعضای زوج و برخی روایات خاص، به برابری دیه آنها قائل هستند؛ ولی دیگران به دلیل برخی اخبار که تکوین فرزند را از منافع بیضه چپ توصیف نموده‌اند، دیه بیشتری نسبت به بیضه راست در نظر گرفته‌اند. بررسی ادله از ضعف سندی و دلالتی احادیث ناظر بر قول اخیر حکایت دارد؛ همچنین، انتساب فرزندآوری به کارکرد بیضه چپ از نظر پزشکی ثابت نشده است.

با وجود این، قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۶۵، در راستای تطابق با فتوای امام خمینی علیه السلام، از دیدگاه غیرمشهور تبعیت نموده است. در نوشتار پیش رو ضمن کاوش در مستندات فقهی مسئله، ضعف مبنایی قانون و اقتباس ناقص آن از فتوای امام علیه السلام کاوبده شده است.

کلیدواژگان: دیه اعضای زوج، دیه بیضه، جنایت علیه تمامیت جسمانی، فقه امامیه، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه

بنابر قواعد ناظر بر باب دیات، از بین بردن هر عضو دوتایی موجب ثبوت دیه کامل و از بین بردن یکی از آن دو مثبت نصف دیه است. بیضه‌ها نیز، به‌عنوان یکی از مصادیق اعضای زوج، مشمول همین قاعده‌اند؛ به‌گونه‌ای که قطع مجموع آنها دیه کامل دارد. این حکم اجماعی بوده و مستظهر بر روایات عام متضمن قاعده و برخی نصوص خاص است، مانند فراز «و البیضتین ألف دینار» در صحیحۀ یونس (کلینی، ۱۴۲۹ق: ص ۳۸۳-۳۸۴) یا کلام امام صادق علیه السلام در صحیحۀ حلبی مبنی بر «و فی البیضتین الدیة» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق الف: ص ۲۴۵).

باوجود این، فقیهان درباره شمول قاعده از جهت تنصیف دیه میان دو بیضه اختلاف نظر دارند. مشهور فقیهان بیضه را از شمول قاعده استثنا نموده و همان حکم را جاری می‌دانند؛ اما برخی دیه بیضه چپ را بیش از دیه بیضه راست می‌دانند. قائلان به تفاوت در دیه از جهت مقدار دیه موضع یکسانی ندارند. به ترتیب در بیضه چپ و بیضه راست، عده‌ای دوسوم و یک‌سوم، برخی دوسوم و نصف، و بعضی دیه کامل و نصف دیه را ثابت می‌دانند. اختلاف مزبور ناشی از وجود اخبار معارض در این زمینه است. بعضی از آنها حکایت از آن دارند که تکوین فرزند از کارکردهای بیضه چپ است.

ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی از نظریه تثلیث دیه تبعیت نموده است؛ دیدگاهی که تتبع انجام گرفته در نوشتار پیش‌رو گویای ضعف مبانی آن است؛ علاوه بر این، شیوه انعکاس این نظریه در ماده نیز دقیق نبوده و ابهاماتی در پی دارد.

در این نوشتار تلاش می‌شود حکم دیه بیضه‌ها با توجه به منابع فقهی‌ای که مأخذ قانونگذار در وضع آن بوده، تحلیل شود. از این‌رو، نخست، موضوع را در فقه امامیه بررسی کرده‌ایم (بند اول)؛ سپس موضع نظام کیفری موضوعه کشورمان را نقد نموده‌ایم (بند دوم).

۱. نظرگاه فقه امامیه

به منظور بررسی فقهی مسئله، نخست، نظریات فقهی را تبیین کرده‌ایم؛ سپس مستندات و ادله آنها را مطرح نموده‌ایم؛ در پایان، دلایل مطرح شده را ارزیابی کرده‌ایم.

۱-۱. فتوای فقهی

استقصا در آرای فقیهان امامیه درباره دیه از بین بردن بیضه گویای وجود پنج نظریه میان ایشان است.

۱-۱-۱. نظریه تصنیف دیه

مشهور فقیهان دیه بیضه‌ها را برابر و برای هریک از آنها نصف دیه قائل اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق: ص ۱۵۲؛ همو، ۴۰۰ق: ص ۷۶۹؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۵۲؛ علامه حلی، ۴۱۰ق: ص ۲۴۰؛ همو، ۴۱۱ق: ص ۲۰۲؛ همو، ۱۴۲۰ق: ص ۵۹۷؛ شهید اول، ۴۱۰ق: ص ۲۸۱؛ شهید ثانی، ۴۱۳ق: ص ۴۳۶؛ حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۷؛ خوئی، ۴۲۲ق: ص ۳۸۹).

استنادات این نظریه عبارت‌اند از: اجماع و ظاهر روایات ثبوت دیه کامل در دو بیضه که حسب اصل اقتضا دارد به صورت مساوی میان دو بیضه تقسیم شود^۱ (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ص ۴۱۲؛ حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۰)؛ عموم صحیحه هشام بن سالم و صدر صحیحه ابن سنان در ثبوت نصف دیه در هریک از اعضای زوج؛ معتبره ظریف؛ مؤیداتی چون مرسله دعائم الاسلام و روایت جعفریات. این استنادات بعداً بررسی خواهند شد.

۱-۱-۲. نظریه ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و یک سوم دیه در بیضه راست

بسیاری از فقیهان به ثبوت دوسوم و یک سوم دیه به ترتیب در بیضه‌های چپ و راست قائل‌اند (شیخ صدوق،^۲ ۱۴۱۸ق: ص ۲۹۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ص ۲۵۹؛ سلار دیلمی،^۳ ۱۴۰۴ق: ص ۲۴۴؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق: ص ۴۵۱؛ ابن سعید حلی، ۱۳۹۴ق: ص ۱۴۴؛ علامه



حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۹۹؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۹: ص ۵۸۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۳۱؛ بهجت، ۱۴۲۶ق: ص ۵۴۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ب: ص ۱۹۸؛ مشکینی، ۱۴۱۸ق: ص ۵۳۲؛ علوی گرگانی، ۱۴۲۶ق: ص ۵۲۰؛ گرامی قمی، ۱۳۹۰: ص ۶۴۱؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق: ص ۶۴۱).

علاوه بر ادعای اجماع بر این حکم، به ذیل صحیحۀ ابن سنان، مطابق نقل شیخ طوسی در تهذیب، در کنار مؤیداتی چون مرفوعۀ ابی یحیی واسطی و روایت فقه الرضا احتجاج شده و آن را مخصص عمومات وارده دانسته‌اند. دلیل چنین تفاوتی در دیۀ دو بیضه نیز در منافع متفاوت آنها بیان شده است؛ به این شرح که چون منی، که موجب شکل‌گیری فرزند می‌شود، در بیضه چپ ساخته می‌شود، دیۀ بیضه چپ بیش از دیۀ بیضه راست است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۹۹).

افزون بر این، برخی از قائلان دیدگاه مزبور حکم تثلیث دیه را در فرضی دانسته‌اند که دو بیضه یک‌باره قطع نشوند، اعم از آنکه در دو مرتبه به دست یک یا چند نفر از بین بروند؛ ولی در فرض از بین رفتن آنها به یک‌باره دیۀ کامل ثابت است (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۳۱). تحدید نظریۀ تثلیث، به صورتی که بیضه‌ها در دو مرتبه قطع شوند، مستلزم این نتیجه خواهد بود که دیۀ آنها در قطع دفعی برابر است. این در حالی است که نصوص اطلاق دارند و از این جهت، فاقد هرگونه تفصیل‌اند.

۱-۱-۳. نظریه ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و نصف دیه در بیضه راست

قاضی ابن براج طرابلسی معتقد است از بین بردن بیضه چپ دوسوم دیه و بیضه راست نصف دیه دارد (ابن براج، ۱۴۰۶: ۴۸۱). برخی از معاصران این موضع را پذیرفته‌اند (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۴۳) و عده‌ای آن را موافق احتیاط می‌دانند (خمینی، ۱۳۷۹: ص ۵۸۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ب: ص ۱۹۸؛ سبحانی، ۱۳۹۱).

مبنای چنین نظری را باید در آن دانست که اقتضای قاعده ثبوت نصف دیه در هر یک از بیضه‌ها است؛ بنابراین، در احکام خلاف قاعده باید به قدر متیقن اکتفا نمود. از منظر قائلان به این دیدگاه نیز صرفاً دلیل قابل اتکابی که بتواند عمومات وارده را تخصیص بزند،

صحیحه ابن سنان است. در این خبر بر تنصیف دیه اعضای زوج تأکید شده و فقط دیه بیضه چپ استثنا گردیده است. پس در دیه بیضه راست باید وفق عموماً عمل نمود و نمی‌توان به استناد یک روایت غیر معتبر (مرفوعه واسطی) از فتوای مشهور بر ثبوت نصف دیه در بیضه راست چشم پوشید که مبتنی بر نصوص صحیح‌السند است (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۴۳).

۱-۱-۴. نظریه ثبوت دیه کامل در بیضه چپ و نصف دیه در بیضه راست

علامه حلی در مختلف الشیعه از ابن جنید اسکافی نقل می‌کند که او معتقد به ثبوت دیه کامل در قطع بیضه چپ و نصف دیه کامل در از بین بردن بیضه راست است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۹۹).

به نظر برخی، مبنای فتوای ابن جنید مبنی بر ثبوت دیه کامل در بیضه چپ، وحدت منفعت تناسل در بدن است که از عملکرد این بیضه پدید می‌آید و با ازدست رفتن آن باید دیه کامل ثابت شود، همانند مواردی که ضربه موجب تعذر امکان مقاربت یا انزال منی می‌شود (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۶)؛ از این رو، وی اجتهاد در مقابل نص کرده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ص ۷۰؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق: ص ۶۴۱).

به نظر می‌رسد این استظهار پذیرفتنی نیست؛ زیرا ظاهراً ابن جنید، همانند مشهور فقیهان، روایت عام مبنی بر نصف بودن دیه هر کدام از بیضه‌ها را پذیرفته و این قاعده را به استناد صحیحه ابن سنان صرفاً در باب بیضه چپ تخصیص زده است. با وجود این، چون حدیث اخیر به دو شکل متفاوت نقل شده است، ایشان موافق نقل شیخ کلینی در کتاب کافی حکم داده‌اند که مشعر بر ثبوت دیه کامل در بیضه چپ است.

۱-۱-۵. نظریه تفصیل

شهید اول در غایة المراد از قطب‌الدین راوندی نقل می‌کند که او میان افراد سال خورده ناتوان جنسی و افراد جوان قائل به تفصیل شده است: در دسته نخست بر ثبوت نصف

دیه در هرکدام از بیضه‌ها و در دسته دوم به دوسوم دیه در بیضه چپ و یک‌سوم دیه در بیضه راست فتوا داده است (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۵۴۱).

فتوای راوندی، همانند قائلان نظریه دوم، بر فراز اخیر صحیحه این سنان و مرفوعه واسطی مبتنی است، با این تفاوت که چون در این روایات علت افزایش دیه بیضه چپ به جهت تکون فرزند از آن دانسته شده است، بنابراین، با فقدان چنین جهتی در سال خوردگانی که دیگر امید فرزندآوری ندارند، باید حسب عموماً به تنصیف دیه قائل شد. صرف‌نظر از قابلیت استنادی ادله ناظر بر تثلیث دیه که بعداً بررسی خواهند شد، باید گفت حسب مقتضای اطلاق روایات و اینکه دیه بیضه بر نفس بیضه و نه منفعت آن تعلق گرفته است، مشخص نیست فعلیت فرزندآوری شرط تنجز حکم باشد و چه بسا مجرد قوه و قابلیت انتساب فرزندآوری به بیضه چپ در ثبوت حکم کفایت کند. چه، در غیر این صورت، مستثنی نمودن صرف سال خوردگان و جاهتی ندارد؛ بلکه باید این تمایز میان مطلق افرادی که توانایی دارا شدن فرزند را ندارند با دیگران برقرار باشد؛ درحالی‌که این نظریه چنین اقتضایی ندارد. از همین روست که این حکم را شامل افراد عتین نیز می‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ص ۷۰).

۲-۱. مستندات فقهی

با تتبع در مصادر فقهی درباره دیه از بین بردن بیضه به دست می‌آید که دو دلیل اجماع و روایات در این زمینه قابل استنادند. از این رو، در این قسمت دلایل موجود را طرح نموده و در ادامه آنها را ارزیابی می‌کنیم.

۱-۲-۱. اجماع

از دلایلی که در دیه بیضه‌ها به آن استناد شده، اجماع است. شیخ طوسی در خلاف بر نظریه ثبوت یک‌سوم دیه در بیضه راست و دوسوم دیه در بیضه چپ به اجماع استناد می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ب: ص ۲۵۹). درمقابل، سید ابوالکرام ابن زهره نیز در غنیه پس از بیان حکم دیه جنایات بر برخی از اعضا، از جمله ثبوت نصف دیه در هرکدام از

بیضه‌ها، در عبارتی کلی همه این احکام را مدلل بر اجماع می‌داند (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۱۹)؛ امری که سبب شده برخی از ظاهر عبارات غنیه چنین استفاده نمایند که دیه بیضه‌ها یکی از موضوعاتی است که این اجماع بر آن تعلق یافته است (طباطبائی، ۱۴۱۸ق: ص ۴۷۹؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۰؛ صناعی، ۱۳۸۹: ص ۶۱۷).

۱-۲-۲. روایات

عمده دلیل قابل استناد درباره دیه بیضه برخی از اخبار وارده است. این روایات عبارت‌اند از:

۱-۲-۲-۱. صحیح هاشم بن سالم

هاشم بن سالم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «کل ما کان فی الإنسان اثنین، ففیهما الدیة و فی إحداهما نصف الدیة و ما کان واحداً ففیه الدیة» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۳۳).

۱-۲-۲-۱. صحیح عبدالله بن سنان

در تهذیب الأحکام خبری از عبدالله بن سنان نقل شده که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌کند:

«قال: ما کان فی الجسد منه اثنان ففیه نصف الدیة، مثل الیدین و العینین؛ قلت: فرجل فقمت عینه؟ قال: نصف الدیة؛ قلت: فرجل قطعت یده؟ قال: فیه نصف الدیة؛ قلت: فرجل ذهب احدی بیضتیه؟ قال: إن کان الیسار ففیهما ثلثا الدیة؛ قلت: و لم؟ ألیس قلت ما کان فی الجسد منه اثنان، ففیه نصف الدیة؛ قال لأن الولد من البیضة الیسری» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق الف: ص ۲۵۰).

در نقل شیخ کلینی در کتاب کافی، در فراز «إن کان الیسار ففیهما ثلثا الدیة» واژه «ثلثا» وجود ندارد (کلینی، ۱۴۲۹ق: ص ۳۹۴).

بیشتر متأخران این روایت را به دلیل وجود ابراهیم بن هاشم در سند آن، که توثیق نگردیده، حسنه می دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۵۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۰۰؛ همو: ۱۴۲۰ق: ص ۵۹۷؛ صیمری، ۱۴۲۰ق: ص ۴۵۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ص ۴۱۲؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۶ق: ص ۵۳۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق: ص ۲۴۱؛ شوشتری، ۱۴۰۶ق: ص ۴۱۷). با وجود این، باید ابراهیم بن هاشم را که عمده روایات فرزندش، علی، صاحب تفسیر معروف، از وی نقل شده را ثقه دانست. دلایل متعددی نیز بر این امر اقامه شده است.^۴ از این رو، بیشتر معاصران روایت را صحیحه می دانند (فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ص ۳۹۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق: ص ۴۷۹؛ خوئی، ۱۴۲۲ق: ص ۳۸۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۳۱؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۴۱؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۹۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ب: ص ۱۹۷؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۰).

۱-۲-۳. معتبره ظریف

یکی دیگر از روایاتی که در بحث از دیه بیضه‌ها به آن استناد شده، به فرازی برمی‌گردد که در کتاب فرائض (ظریف) به نقل از تهذیب شیخ طوسی آمده است. مطابق آن یونس بن عبدالرحمان و حسن بن علی بن فضال تأییدیه اصالت کتاب فرائض را از حضرت امام رضا علیه السلام گرفته‌اند. در این فراز آمده است: «فی خصیة الرجل خمسمائة دینار» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق الف: ص ۳۰۷). همان‌طور که در مفتاح الکرامه بیان شده، این روایت اطلاع دارد (حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۷) و مطابق آن هرکدام از بیضه‌ها نصف دیه کامل را دارند و دیه آنها برابر خواهد بود. از این رو، این روایت کاملاً نقطه مقابل نظریه دوم است که در یک بیضه ثلث دیه و در دیگری دویسوم دیه را ثابت می‌داند.

روایت، مطابق سندی که به ابن فضال ختم می‌شود، معتبر است (خوئی، ۱۴۲۲ق: ص ۳۹۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ص ۲۳۱؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۹۸؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۰). با وجود این، باید توجه داشت که فراز استنادشده، در نقل شیخ کلینی در کافی نیامده است.

۴-۲-۱. مرفوعه ابی یحیی واسطی

شیخ صدوق در فقیه چنین خبری نقل نموده است:

«عن محمد بن هارون عن أبي يحيى الواسطي رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال: الولد يكون من البيضة اليسرى، فإذا قطعت ففيها ثلثا الدية، و في اليمنى ثلث الدية» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۵۲).

۵-۲-۱. روایت جعفریات

در کتاب جعفریات از حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «فی البیضتین الدیة و فی کل واحد منهما نصف الدیة و هما سواء» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ص ۳۳۶). سند روایات جعفریات اعتبار ندارد. با وجود این، به عنوان نظریه تصنیف دیه دو بیضه قابل استفاده خواهد بود.

۶-۲-۱. مرسله دعائم الإسلام

در دعائم الإسلام از حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «فی البیضتین الدیة و فی إحداهما نصف الدیة و هما سواء» (همان، ص ۳۶۱-۳۶۲). به سبب مرسل بودن اخبار کتاب دعائم، روایت مزبور حجیت ندارد؛ مگر اینکه به عنوان مؤید از آن استفاده شود. هر چند با توجه به شباهت مضمون مرسله با روایت جعفریات، به نظر می رسد اصل هر دو یک روایت بوده که در جعفریات آمده است؛ چون دعائم کتاب عملی فقهی بوده که کتاب جعفریات از مصادر آن بوده است (شیبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ص ۱۵۷۶).

۷-۲-۱. روایت فقه الرضا

در کتاب فقه الرضا علیه السلام آمده است: «البیضان ألف دینار و قد روی أن أحدهما تفضل علی الأخری و إن الفاضلة هی اليسری لموضع الولد» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ص ۳۶۲).

از جهت بررسی تطبیقی، اشاره به این نکته بی فایده نیست: در منابع روایی اهل تسنن، بیشتر احادیث وارده بر تصنیف دیه دلالت دارند. یکی از این روایات، حدیث





عاصم بن ضمره به نقل از حضرت امام علی علیه السلام است که فرموده‌اند: «فی إحدى البیضتین النصف» (بیهقی، ۱۴۳۲ق: ص ۳۷۷). با وجود این، در جای دیگری از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان دوسوم دیه را در بیضه چپ و یک سوم را در بیضه راست حکم فرموده‌اند و دلیل این امر را در انتساب فرزندآوری به بیضه چپ دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۲۶ق: ص ۵۳۵). همچنین، به نقل‌های مختلفی از سعید بن مسیب، از فقیهان سبعه، نقل شده که قائل بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و یک سوم دیه در بیضه راست شده است (کوفی عبسی، ۱۴۰۹ق: ص ۳۸۰-۳۸۱؛ بیهقی، ۱۴۳۲ق: ص ۳۷۹).

۳-۱. ارزیابی ادله

در بررسی دلیل اجماع باید حکم به بی اعتباری آن داد، زیرا اجماع مزبور منقول بوده که حجیت ندارد؛ ضمن آنکه، دو اجماع مخالف هم در این زمینه نقل شده است که هیچ کدام قابلیت تمسک نخواهند داشت، زیرا حتی اگر سیدابن زهره در مقام تعمیم دلیل اجماع به موضوع دیه بیضه‌ها نبوده باشد، در این تردیدی نیست که هر دو قول میان پیشینیان کاملاً محل اختلاف است. بنابراین، تحقق اجماع در این زمینه منتفی است؛ به‌ویژه اجماع مورد ادعای شیخ طوسی که مغایر نظرگاه مشهور فقیهان است، و خود ایشان نیز، جز در کتاب خلاف، در دیگر تصانیف، نظیر نه‌ایه (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق: ص ۷۶۹) و مبسوط (همو، ۱۳۸۷ق: ص ۱۵۲) برخلاف آن فتوا داده‌اند. علاوه بر آنچه گفته شد، نظر بر وجود روایات ناظر بر موضوع دیه بیضه‌ها، اجماع مورد ادعا مدرکی و مستند نیز هست؛ بنابراین، به این اعتبار نیز حجیت ندارد.

بنابراین، قضاوت پیرامون نظریات مطرح درگرو بررسی روایات است.

تنها روایتی که دقیقاً بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و یک سوم در بیضه راست دلالت دارد (مدعای قائلان به نظریه دوم)، مرفوعه واسطی است. این روایت از نظر سندی با اشکالاتی روبه‌رو است: نخست آنکه، از نظر اتصال مرفوعه است؛ دیگر اینکه، از نظر سندی ضعیف است. به‌رغم اینکه محمد بن احمد از ثقات جلیل‌القدر است، ولی، همان‌گونه که نجاشی بیان کرده است، ابن‌ولید روایات محمد بن احمد از ابویحیی واسطی

و محمد بن هارون را استثنا نموده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۴۸)؛ نکته‌ای که بر ضعف روایت اشعار دارد. محمد بن هارون که در سلسله روایت حضور دارد، در بسیاری از منابع رجالی ضعیف دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۳۸؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ق: ص ۲۵۴). ابویحیی واسطی یا همان سهیل بن زیاد نیز توثیق نشده و ابن غضائری درباره ایشان گفته است: «حدیثه یعرف تاره، و ینکر اخری» (ابن غضائری، بی‌تا: ص ۶۶). به هر صورت، روایت از نظر سند ضعیف است (خوئی، ۱۴۲۲ق: ص ۳۹۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۹۸).

روایت فقه‌الرضا نیز دلالتی بر تثلیث دیه ندارد و صرفاً ناظر بر کلیت بیشتر بودن دیه بیضه چپ نسبت به بیضه راست است. ادعای انتساب کتاب فقه‌الرضا به حضرت امام رضا علیه السلام به طور جدی محل تردید بوده و بسیاری از فقیهان آن را مردود دانسته‌اند. به‌ویژه، در همین فراز مورد بحث باید گفت تعبیر «قد روی» منافی آن است که خود امام علیه السلام آن را نگاشته باشند. از این رو، اگرچه بعضی آن را به شلمغانی و عده‌ای به علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) نسبت می‌دهند،^۵ به نظر کتابی فقهی است. در هر حال، روایت صرف‌نظر از آنکه مقدار دیه بیضه‌ها را دقیقاً مشخص ننموده، به دلیل مرسله بودن، از نظر سندی فاقد اعتبار است، و اصلاً چه‌بسا منظور آن از «روایت شده»، همان مرفوعه واسطی باشد و متضمن خبر مستقلی نباشد. به هر حال، از این منظر که صاحب کتاب فقه‌الرضا بیشتر بودن دیه بیضه چپ را با تعبیر «قد روی» آورده، می‌تواند دلالت بر تضعیف این دیدگاه از نظر مؤلف آن باشد.

صحیح‌ه عبدالله بن سنان متضمن دو قسمت است: در صدر آن بر ثبوت نصف دیه در هریک از اعضای زوج تصریح شده است، که این عموم بیضه‌ها را نیز شامل می‌شود؛ و در ذیل آن بر ثبوت دیه بیشتر در بیضه چپ به دلیل انتساب تکوین فرزند به آن تأکید شده است. بنابراین، ممکن است این شبهه به‌وجود بیاید که عموم صدر روایت مؤید نظریه نخست و حکم ذیل آن مؤید نظریات ناظر بر عدم برابری دیه بیضه‌هاست که چه‌بسا بخواهند بر مبنای تبعیض در حجیت به آن استناد کنند. با وجود این، باید گفت تصور تعارض میان صدر و ذیل روایت توجیه‌پذیر نیست، زیرا با وجود حکم خاص مندرج در ذیل

این خبر، سخن از تعمیم صدر روایت بر بیضه‌ها و جهی نخواهد داشت؛ بلکه این مخصص متصل اجازه استناد به عموم صدر روایت در جنایت مورد بحث را نمی‌دهد. پس روایت متضمن دو حکم نیست که بتواند مجرای تمسک به مبنای تبعیض در حجیت باشد. در بررسی دلالت ذیل صحیحه، به‌طور جداگانه دیه هرکدام از بیضه‌ها بررسی می‌شوند:

الف. دیه بیضه راست: روایت حکم خاصی را درباره دیه بیضه راست بیان ننموده است. بعضی دیه آن را مشمول عموم صدر روایت و دیگر روایات ناظر بر تنصیف می‌دانند (نظریات سوم و چهارم). برخی دیگر به دلیل منتج شدن این استنباط به تجاوز دیه دو بیضه از دیه کامل، که برخلاف نصوص وارده و قول محل تسالم فقیهان است، با استفاده از مؤیداتی چون مرفوعه واسطی دیه آن را یک سوم دانسته‌اند (نظریات دوم و پنجم). به نظر می‌رسد هر دو موضع مزبور محل خدشه است، زیرا ثبوت ثلث دیه در بیضه راست نه در صحیحه ابن سنان تصریح شده و نه هیچ روایت قابل استناد دیگری بر آن دلالت دارد. اینکه التزام به آن را ناشی از ضرورت عدم تجاوز دیه بیضه‌ها از دیه کامل بدانیم، با دو اشکال روبه‌روست: از یک سو، حسب روایت، امام علیه السلام در مقام بیان بوده‌اند: ایشان، نخست، ثبوت نصف دیه را در هر عضو زوج تصریح فرموده‌اند، و درباره چشم و دست به‌طور مطلق بر ثبوت نصف دیه در آنها تأکید می‌فرمایند. در ادامه، راوی به‌طور مطلق از دیه بیضه‌ها می‌پرسد. اینکه حضرت علیه السلام فقط بیضه چپ را از قاعده مستثنا فرموده‌اند، قرینه بر عدم ثبوت ثلث دیه در بیضه راست است.

از سوی دیگر، قائل شدن به ثلث دیه در بیضه راست صرفاً براساس تحلیلی ظنی که نتیجه آن مخالف صحیحه هشام و معتبره ظریف است، پذیرفته نیست؛ مگر آنکه بخواهیم طبق مرفوعه واسطی حکم نماییم. چنین حکمی نیز با اشکالاتی روبه‌روست، زیرا اگر شیخ صدوق حدیث را بدون ذکر سند بیان می‌کرد، شاید امکان استناد به آن بر مبنای اعتبار اخبار مرسل ایشان وجود می‌داشت؛ ولی ظاهراً شیخ صدوق با آوردن تعبیر «فی روایة...» سخن منسوب به امام علیه السلام را به‌طور جزم به ایشان نسبت نداده است. افزون بر این، حضور محمدبن هارون و ابویحیی واسطی در سند روایت سبب ضعف آن است که قبلاً بررسی شد. اعراض مشهور پیشینیان از عمل به روایت نیز مؤید دیگری برای تضعیف

روایت است؛ به‌ویژه تعابیر کسانی نظیر شیخ مفید که قول موافق مضمون مرفوعه را فاقد پشتوانه‌ی روایی صحیحی می‌دانند. اما اختیار ثبوت نصف دیه در بیضه‌ی راست در شرایطی که برای بیضه‌ی چپ دوسوم دیه را اعتبار نماییم، خلاف اجماع فقیهان تشیع و تسنن در ثبوت دیه‌ی کامل در مجموع بیضه‌هاست؛ حکمی که موضوع روایات متعددی است. به این شبهه چنین پاسخ داده شده که ثبوت دیه‌ی کامل در مواردی است که هر دو بیضه با هم از بین بروند، اما اشکالی ندارد که در از بین بردن یکی از آنها مانند دیگر موارد به چنین حکمی ملتزم شویم (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۴۳). برخی نیز مقتضای احتیاط را رعایت چنین حکمی، به‌ویژه در مواردی دانسته‌اند که جنایت در دو مرتبه از سوی دو جانی مختلف واقع شده باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق ب: ص ۱۹۸). این پاسخ نیز محل تأمل است، زیرا هر دو دسته روایات ناظر بر ثبوت دیه‌ی کامل در مجموع بیضه‌ها و نیز اخبار متضمن تثلیث دیه اطلاق دارند و چنین تفصیلی نه‌تنها مستظهر بر خبر صحیح‌السندی نیست، که از سوی مشهور فقیهان نیز مردود دانسته شده است.

ب. دیه بیضه‌ی چپ: صحیح‌ه ابن سنان درباره‌ی دیه بیضه‌ی چپ حکم به تجاوز دیه از نصف داده است که خلاف عموم صحیح‌ه هشام است. در این راستا گفته شده حکم عام تا زمانی قابل استناد است که حکم خاصی وارد نشده باشد؛ بنابراین، عمل به نص خاص منافاتی با روایات عام ندارد (ابن‌فهد حلی، ۴۰۷ق: ص ۳۴۴). پس در اینجا به تخصیص روایات عام با نص خاص استناد شده است؛ به‌ویژه که روایت خاص متضمن تعلیل است. پاسخ مزبور در صورت وجاهت نص خاص و عدم تعارض با نص دیگر قابل قبول می‌نماید، اما حقیقت آن است که این حکم در هر دو قسمت پذیرفتنی نیست:

نخست، همان‌طور که اشاره شد، صحیح‌ه ابن سنان به دو صورت نقل شده است: در نقل شیخ در تهذیب بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه‌ی چپ تصریح شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق الف: ص ۲۵۰) و در نقل شیخ کلینی در کافی، در فراز «ان كان اليسار فیها ثلثا الدية» واژه «ثلثا» وجود ندارد (کلینی، ۴۲۹ق: ص ۳۹۴) که دلالت بر ثبوت دیه‌ی کامل در بیضه‌ی چپ دارد. از این رو، تعدادی از پیشینیان طبق نقل تهذیب فتوا داده‌اند (نظریات دوم و سوم) و برخی موافق نقل کافی حکم کرده‌اند (نظریه چهارم). با توجه به اختلاف در

نقل‌ها چه‌بسا بتوان گفت هیچ‌کدام از آنها ثابت نمی‌شود. برخی با این استدلال که «قدر متیقن هر دو روایت، ثبوت دوسوم دیه در بیضهٔ چپ است، و در یک‌سوم دیگر تردید ایجاد می‌شود»، با استناد به اصل برائت از پرداخت مازاد از یک‌سو، و برتری احتمال از قلم افتادن لفظ «ثلاثا» در کافی نسبت به احتمال افزوده شدن این لفظ در نقل تهذیب از سوی دیگر، دوسوم دیه را متعین دانسته‌اند (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۴۲-۲۴۳). دربارهٔ این کلام تأملاتی وجود دارد: اول اینکه، اساساً در مقام مقایسهٔ کافی با تهذیب، تقدم با نقل شیخ کلینی است؛ زیرا ایشان ضبط و دقت بالاتری نسبت به شیخ طوسی داشته است. کثرت اشتغال و ذوفنون بودن شیخ طوسی از یک‌سو، تقدم زمانی عصر شیخ کلینی و اینکه کتاب کافی از مصادر تهذیب شیخ طوسی است، از سوی دیگر، و همچنین، کثرت ایرادات موجود در متن کتاب تهذیب^۷ سبب شده عمدتاً فقیهان بر ترجیح نقل شیخ کلینی به جهت اضط بودن ایشان نظر دهند (بهبهانی، ۱۴۱۷ق: ص ۲۳۰؛ کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ص ۲۳۷؛ شریف کاشانی، ۱۴۲۸ق: ص ۲۸۸). نکتهٔ دوم اینکه اگر بنای بر اخذ قدر متیقن ناشی از اعمال اصل برائت باشد، نظر بر تعارض این روایت با معتبرهٔ ظریف، باید بر ثبوت نصف دیه و نه دوسوم نظر داد.

گفتنی است نفس صحیحهٔ ابن‌سنان در قسمت دیهٔ بیضهٔ چپ، صرف‌نظر از نقل‌های مختلف آن، با اشکالات دیگری همراه است. در روایت، حکمت بیشتر بودن دیهٔ بیضهٔ چپ در انتساب فرزندآوری، کارکرد این بیضه دانسته شده است. برخی گفته‌اند اینکه منافع بیضه‌ها متفاوت باشند، دلیلی بر تفاوت در مقدار دیهٔ آنها نخواهد بود؛ همان‌طور که دیهٔ دست نیرومند از دست ضعیف بیشتر نیست یا در دیگر اعضا مانند چشم نیز این‌گونه است (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۵۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۶). این اشکال وارد نیست، زیرا نفس تفاوت در منافع دو بیضه علت حکم نیست؛ بلکه مطرح شدن آن به واسطهٔ مفاد روایاتی چون صحیحهٔ ابن‌سنان است، که در خود آنها موجب تمایز دیه گشته است (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ص ۴۱۳؛ حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۶؛ صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۱)؛ به‌علاوه آنکه، قیاس تفاوت نادری که تأثیری هم در افزایش یا کاهش دیه ندارد با موضوع مورد بحث وجهی ندارد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق: ص ۵۰۴). اما ایراد اصلی که برخی از فقیهان

وارد کرده‌اند آن است که هم در علم پزشکی قدیم (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۵۴۱) و هم جدید (حاشیه مرحوم کلانتر بر روضه در: شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ص ۲۳۷؛ صانعی، ۱۳۸۹: ص ۶۱۷) نشئت گرفتن تکوین فرزند از عملکرد بیضه چپ نفی شده است. برخی پاسخ داده‌اند انکار پزشکان نمی‌تواند انتساب دیدگاه تفاوت در منافع به معصوم علیه السلام را خدشه‌دار کند و از این رو، باید طبق فرموده معصوم علیه السلام حکم داد (فاضل مقداد، همان: ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۴۶، فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ص ۳۹۷؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷ق: ص ۶۴۱). اما به نظر می‌رسد این سخن وارد نیست، زیرا اصل انتساب کلام به معصوم علیه السلام یقینی نیست، و از طرفی اثبات علمی تغایر امری با واقع، خود دلیل بر منتسب نبودن سخن به معصوم علیه السلام است.

برخی این احتمال را بیان کرده‌اند که ممکن است کارکرد فرزندآوری، به شکل غالبی و نه مطلق، به بیضه چپ برگردد تا از این راه، مضمون روایات با نظریه پزشکان قابل جمع شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ص ۴۱۵؛ حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۷). این احتمال قابل تأیید نیست، زیرا اقتضای نص و نیز نظریه پزشکی هر دو اطلاق دارند. گفتنی است شهید اول در غایة المراد به نقل از جاحظ در کتاب الحيوان آورده است: این نظر که فرزند از بیضه چپ شکل می‌گیرد سخنی است که در ذهنیت عوام وجود دارد (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ص ۵۴۱). در منابع روایی اهل سنت نیز شکل‌گیری فرزند از بیضه چپ در کلام سعید بن مسیب نقل شده که گفته است «فی الیسری من البیضتین ثلثا الدیة، لأن الولد من الیسری؛ و فی الیمنی ثلث الدیة» (کوفی عسی، ۱۴۰۹ق: ص ۳۸۰-۳۸۱؛ بیهقی، ۱۴۳۲ق: ص ۳۷۹). اشکال دیگری که برخی از معاصران بر صحیحۀ ابن سنان گرفته‌اند این است که اصل تکرار پرسش از دیه اعضای زوج برای بار دیگر درباره بیضه‌ها از شخصیتی مانند عبداللہ بن سنان در جایی که کبرای کلی و تطبیق آن بر دو عضو (چشم و دست) را از امام علیه السلام شنیده است، بعید می‌نماید (صانعی، ۱۳۸۹: ص ۶۱۷).

به هر صورت، به رغم صحیحۀ بودن روایت، نمی‌توان برای آن حجیتی قائل شد؛ زیرا حجیت خبر واحد و کلیه امارات منوط به آن است که برخلاف آن علم و اطمینان نداشته باشیم. این در شرایطی است که علت ذکر شده در روایت در علم پزشکی قدیم تا امروز ثابت نشده است (صانعی، ۱۳۸۹: ص ۶۱۷؛ و نیز ر.ک: تبریزی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۹۸؛ حسینی روحانی،

۱۴۱۲ق: ص ۲۹۰)؛ بنابراین، عمل به آن با ابهام روبه‌روست. از این رو است که ابن‌ادریس حلی خبر ناظر بر قول تثلیث دیه را فاقد پشتوانه استدلالی قلمداد نموده است (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۹۳). شیخ مفید نیز در مقنعه وجود روایت صحیحی را که بتواند مثبت این نظریه باشد، نفی نموده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۷۵۵). صاحب جواهر سخن مزبور را به آن معنا دانسته که ظاهراً شیخ مفید به این روایت دسترسی نداشته است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ص ۲۷۱). اما با وجود چنین خبری در جوامع روایی مقدم بر عصر شیخ مفید عدم التفات ایشان بر آن بعید به نظر می‌رسد.^۸

برخی معتقدند صحیح‌ه بودن خبر ابن‌سنان از نظر شیخ مفید ثابت نشده است (حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۷). با وجود این، به نظر می‌رسد صحت روایت از نظر قدما صرفاً محدود به سند آن نیست؛ بلکه خبر صحیح از نظر ایشان روایتی است که همراه با قرائن قطعی است (شوشتری، ۱۴۰۶ق: ص ۴۱۷). بنابراین، بعید نیست که صرف‌نظر از اعتبار سندی روایت، شیخ مفید آن را قابل‌استناد ندانسته باشد. حتی با فرض صحیح بودن این روایت از نظر شیخ مفید، مدلول آن با نظریه تثلیث انطباق کاملی ندارد، چون صرفاً بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه‌چپ اشاره دارد؛ اما درباره بیضه راست، برخلاف قول موردبحث، عموم صدر این خبر مقتضی ثبوت نصف دیه در آن است. ممکن است شیخ مفید، نظر به همین ثبوت دوسوم دیه در بیضه‌چپ، نقل شیخ طوسی را به دلیل تعارض با کتاب کافی معتبر ندانسته باشد؛ زیرا در نقل شیخ کلینی برای این بیضه دیه کامل مقدر شده است. از این رو، این کلام ایشان را نمی‌توان بر عدم وقوف بر خبر ابن‌سنان حمل نمود.

دوم اینکه، صرف‌نظر از ایرادات محتوایی ذیل صحیح‌ه ابن‌سنان که قابلیت تخصیصی آن را با ابهام روبه‌رو می‌کند، باید به تعارض آن با معتبره ظریف اشاره نمود، که روایت جعفریات نیز مؤید آن است. در این راستا یا باید بر مبنای عمل مشهور به‌گونه‌ای که بیشتر پیشینیان مطابق آن فتوا داده‌اند، معتبره ظریف را رجحان داده و اعراض مشهور از عمل به ذیل صحیح‌ه ابن‌سنان (حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۷) را موجب بی‌اعتباری آن بدانیم یا با تحقق تعارض میان آنها مطابق قاعده و وفق عموماتی مانند صحیح‌ه هشام، حکم بر تنصیف دیه دهیم (خوئی، ۱۴۲۲ق: ص ۳۹۰؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق: ص ۱۹۸؛ حسینی روحانی،

۱۴۱۲ق: ص ۲۹۰). به‌ویژه آنکه اصل برائت از پرداخت مازاد بر نصف دیه در بیضه چپ (حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۶-۴۴۷) نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند.

شهید ثانی بیشتر بودن تعداد روایات ناظر بر نظریه تنصیف را نیز دلیلی جهت تقویت آن می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۶)؛ ولی مقدس اردبیلی در مجمع الفائده با نقد کلام شهید، روایات ناظر بر نظریه دوم را بیشتر دانسته و برای نظریه نخست فقط به صحیح هاشم اشاره کرده است (اردبیلی، ۴۰۳ق: ص ۴۱۳-۴۱۴). این در حالی است که روشن شد به‌جز صحیح هاشم، معتبره ظریف و روایت جعفریات نیز بر این نظریه دلالت دارند. اما به‌نظر می‌رسد حق را باید به صاحب مفتاح الکرامه داد که قائل به برابری هر دو دیدگاه در شهرت روایی است، ولی روایات نظریه نخست را با شهرت عملی همراه می‌داند (حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۷).

۲. تحلیل موضوع در حقوق کیفری موضوعه

موضوع دیات، به‌طور کلی، و دیه بیضه، به‌شکل خاص، در قوانین پیش از انقلاب اسلامی مطرح نبوده است. این عرصه نخستین بار در سال ۱۳۶۱ مورد تقنین قرار گرفت. مطابق ماده ۱۴۱ مبحث دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ «قطع مجموع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد». همین مضمون در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تکرار شد. این سابقه گویای اختیار نظریه فقهی دوم از سوی قانونگذار کیفری در کشور است.

در راستای اصلاحات اخیر قانونگذاری، مجلس شورای اسلامی تصمیم گرفت با تغییر رویه سابق، دیدگاه مشهور فقیهان مبنی بر تنصیف دیه را برگزیند. در مصوبه کمیسیون قضایی مجلس به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ چنین مقرر شد: «قطع و از بین بردن دو بیضه موجب دیه کامل و هرکدام از آنها موجب نصف دیه کامل است...». پس از ارجاع مصوبه به شورای نگهبان به تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱ این اشکال گرفته شد که این ماده خلاف فتوای حضرت امام علیه السلام است (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ص ۲۲۶).

اشکال شورای نگهبان بر ماده توجیه‌پذیر نیست، زیرا مصوبه کمیسیون قضایی منطبق با نظرگاه مشهور فقیهان است و همان‌طور که بررسی شد، از مبانی محکم‌تری نسبت به دیگر دیدگاه‌ها برخوردار است و اعراض از آن بلاوجه می‌نماید. ممکن است گفته شود چون ملاک بررسی مصوبات، از منظر تطابق یا تغایر با شرع، فتاوی حضرت امام خمینی علیه السلام است، اشکال شورا از این جهت وارد است. این پاسخ نیز پذیرفتنی نخواهد بود، چون تتبع در سوابق، تبعیت دقیق شورای نگهبان از این مبنا را نشان نمی‌دهد؛ به‌گونه‌ای که حتی گاه که مصوبه کمیسیون با فتوای امام علیه السلام همسو بوده، از سوی شورا خلاف شرع تلقی شده و تصحیح آن از کمیسیون خواسته شده است. مثلاً ماده ۴۹۹ مصوبه (ماده ۴۹۵ قانون) اشعار می‌داشت: «هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه و خسارت است، مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی بوده و قبل از اقدام به معالجه از مریض براءت گرفته باشد...». این مقرر منطبق با این فتوای امام علیه السلام است که اگر بیمار یا ولی او به پزشکی که از نظر علمی حاذق بوده و در عمل نیز خیره باشد، اجازه طبابت دهد و بر اثر معالجه جنایتی بر بیمار وارد شود، قول قوی‌تر ضمان طیب است (خمینی، ۱۳۷۹: ص ۹۴۲) که در صورت ابرای قبل از علاج، براءت حاصل خواهد شد (خمینی، ۱۴۲۶ق: ص ۴۵۶). باوجود این، شورای نگهبان در اظهار نظر مورخ ۱۳۸۹/۹/۱ درباره این ماده اعلان داشته: «از این جهت که ضمان طیب در صورت عدم قصور و تقصیر در علم و عمل، در فرض عدم اخذ براءت، ثابت می‌ماند، خلاف موازین شرع شناخته شد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵: ص ۱۷۶)؛ اشکالی که در نهایت، سبب اصلاح مصوبه و الحاق تبصره‌ای با این مضمون شد: «در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هرچند براءت اخذ نکرده باشد». درباره این موضع که با قول شاذی از ابن‌ادریس حلی هماهنگ بوده (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۷۳)، بسیاری از فقیهان اجماع (ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۱۰-۴۱۱) و اتفاق نظر (محقق حلی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۲۱) برخلاف آن را ادعا کرده‌اند. این بدان معنا است که شورا در یک جا مصوبه منطبق با نظر مشهور فقیهان را صرفاً به دلیل مغایرت با فتوای امام علیه السلام تأیید نمی‌کند و در جای دیگر مصوبه منطبق با نظر

امام علیه السلام (که اتفاقاً همسو با قول مشهور نیز هست) را بر مبنای دیدگاهی شاذ که مورد قبول اقلیت است، مغایر شرع می‌داند. این امر نشان‌دهنده آن است که فتوای امام علیه السلام به‌طور کامل سنجه بررسی مصوبه نبوده است.

اشتراک ثبوت حد قتل فاعل لواط به احصان موضوع ماده ۲۳۴، ثبوت حد قتل در مصرف مسکر به تکرار در مرتبه چهارم حسب اطلاق ماده ۱۳۶، پذیرش ضمان جمعی سبب و مباشر در جنایات موضوع ماده ۵۲۶ و ضمان بیت‌المال نسبت به دیه محکوم به تعزیری که به واسطه اجرای کیفر می‌میرد در ماده ۴۸۵ صرفاً بخشی از احکام فراوانی است که در قانون مجازات اسلامی برخلاف فتوای حضرت امام خمینی علیه السلام تنظیم شده‌اند و با وجود این، تأیید شورای نگهبان را نیز به دست آورده‌اند.

باری، صرف نظر از آنچه گفته شد، متعاقب اشکال گرفته شده، حکم دیه بیضه در نهایت در قالب ماده ۶۶۵ به این شکل تصویب و تأیید شورا را گرفت: «قطع دو بیضه یک‌باره دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست، ثلث دیه دارد».

طرز نگارش ماده با فتوای امام سازگاری ندارد. امام علیه السلام در تحریر الوسیله می‌فرماید: «فی الخصیتین الدیه کامله، فهل لكل واحده نصفها أو لیسری ثلثان و للیمنی الثلث؟ الأوجه الثانی، و الأحوط الثلثان فی الیسری و النصف فی الیمنی لو قلعتا دفعتین» (خمینی، ۱۳۷۹: ص ۵۸۳).

در ماده دو حالت پیش‌بینی شده است: قطع دفعی دو بیضه و قطع جداگانه آنها. قول تثلیث دیه صرفاً در حالت اخیر پیش‌بینی شده است. این در حالی است که فتوای امام علیه السلام مبنی بر ثبوت دویسوم دیه در بیضه چپ و یک‌سوم دیه در بیضه راست اطلاق داشته و هر دو حالت قطع دفعی و جداگانه بیضه‌ها را دربر می‌گیرد. فرض کنید جانی به قطع بیضه راست کسی اکراه شود. او در اثنای جنایت واحدی هر دو بیضه مجنی‌علیه را از بین می‌برد. چنانچه قطع بیضه راست به اکراه‌کننده انتساب یابد، این سؤال مطرح می‌شود که چه مقدار دیه بابت بیضه چپ برعهده جانی ثابت می‌شود؟ در اینجا طبق ظاهر قانون، جانی مکلف به پرداخت نصف (و نه دویسوم) دیه است؛ این در حالی است که فتوای

فقیهان، از جمله امام علیه السلام، به تبعیت از نصوص، عاری از چنین تفصیلی‌اند.

امام علیه السلام تنها در قول احتیاطی خود مبنی بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و نصف دیه در بیضه راست، قید قطع جداگانه بیضه‌ها را آورده‌اند، که مبنای آن هم در جلوگیری از تجاوز دیه مجموع بیضه‌ها از دیه کامل است.

به‌علاوه، نظر بر ضرورت جامعیت قانون، حال که نظریه تثلیث پذیرفته شده است، باید تکلیف دیه از بین بردن بیضه کسانی که فقط یک بیضه دارند، تعیین می‌شد. حال آنکه اگر نظریه تنصیف را می‌پذیرفتیم، حکم بر ثبوت نصف دیه داده می‌شد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ص ۷۰)؛ اما در اینجا به‌نظر می‌رسد اگر فرد سابقه فرزندآوری داشته باشد، ظاهراً باید دوسوم دیه را ثابت دانست و در غیر این صورت، مقتضای اصل برائت ثبوت ثلث دیه است. به هر صورت، قانون باید از این نظر نیز روشن باشد.

نتیجه‌گیری

۱. بنا بر قاعده اولیه اصطیادی از نصوص عامی چون صحیحه هشام بن سالم، هرکدام از بیضه‌ها نصف دیه را دارند. اعمال چنین قاعده‌ای درباره بیضه‌ها مستظهر بر معتبره ظریف و مؤیداتی چون روایت جعفریات و مرسله دعائم الإسلام است که مشهور فقیهان آنها را پذیرفته‌اند.

۲. نظریه غیر مشهور به تفاوت مقدار دیه دو بیضه قائل است. مستند ایشان صحیحه ابن سنان و مرفوعه ابی یحیی واسطی است. مرفوعه واسطی که دلالت بر ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و یک سوم در بیضه راست دارد، از نظر سندی قابل استناد نیست، زیرا علاوه بر مرفوعه بودن، حضور راوی ضعیفی نظیر محمد بن هارون و نیز ابویحیی واسطی که توثیق نشده است، موجب ضعیف دانستن روایت شده است. فراز اخیر صحیحه ابن سنان که بیشتر بودن دیه بیضه چپ را معلل بر انتساب فرزندآوری به آن دانسته است، به دو صورت متفاوت نقل شده است. در نقل کافی برای بیضه چپ دیه کامل و در نقل تهذیب دوسوم دیه بیان شده است. این مسئله سبب اختلاف نظر میان فقیهان شده و با این وضعیت هیچ کدام از این نقل‌ها ثابت نمی‌شود. به‌علاوه آنکه، تعلیل مذکور در آن از

نظر علم پزشکی ثابت نشده است. بنابراین، با توجه به عمل مشهور از یک سو و ضرورت رجوع به قاعده عام در حالت تعارض بین صحیحۀ ابن سنان و معتبرۀ ظریف، دیدگاه مشهور متعین می شود.

۳. ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی به تأسی از فتوای امام خمینی علیه السلام که منطبق با نظرگاه غیرمشهور است، تدوین شده، که ضعف مبانی آن بررسی گردید. به علاوه آنکه، ظاهر قانون قول تثلیث دیه را به فرض قطع غیردفعی بیضه ها محدود نموده است. این حکم با مبنای فقهی ماده در تحریر الوسیله مغایر است. افزون بر این، در ماده درباره حکم از بین بردن بیضه کسانی که تنها یک بیضه دارند، سکوت شده است.

پی نوشت:

۱. به نظر می رسد استفاده از ظاهر روایات متضمن ثبوت دیه کامل در دو بیضه جهت اثبات تساوی دیه آنها توجیه پذیر نیست، زیرا حکم به ثبوت دیه کامل در دو بیضه منافاتی با تفاوت در مقدار دیه آنها ندارد (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ۲۴۰-۲۴۱؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ۲۴۱-۲۴۲)؛ از این رو، در نوشتار پیش رو از چنین احادیثی ذیل مستندات روایی سخن به میان نیامد.
۲. شیخ صدوق در مقنع ثبوت دوسوم دیه در بیضه چپ و یک سوم دیه در بیضه راست را با تعبیر «روی» آورده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ق: ص ۵۱۱)؛ این تعبیر می تواند مشعر بر تضعیف موضع مزبور از دیدگاه ایشان و یا دست کم بیانگر توقف شان در مسئله باشد؛ با وجود این، نظر بر صراحت عبارت هدایه و اینکه در کتاب فقیه در باب دیه بیضه تنها مرفوعه واسطی را آورده اند که متضمن همین حکم است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۵۲) و از ذکر احادیث مخالف خودداری نموده اند، اختیار همین دیدگاه از سوی ایشان مشخص می شود؛ زیرا ایشان، حسب گفته خود، کتاب فقیه را با هدف گردآوری کلیه احادیث وارده فراهم نکرده اند، بلکه صرفاً درصدی بیان اخباری بوده اند که به صحت آن معتقد بوده و براساس آن فتوا داده اند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲-۳).
۳. به گفته صاحب مفتاح الکرامه، در نسخه ای که از کتاب مراسم در دست ایشان است، سلاز دیلمی نظریه نخست را پذیرفته است (حسینی عاملی، بی تا: ص ۴۴۶).
۴. ر.ک: محدث نوری، ۱۴۱۷ق: ص ۳۳ به بعد.
۵. ر.ک: اشتهازی، ۱۴۱۷ق: ص ۴۳۳.
۶. آیت الله بروجردی در مقایسه نقل شیخ کلینی با شیخ طوسی، ضمن تأکید بر ترجیح نقل کافی، علت آن را «کثرة اشتغالات الشیخ علیه السلام و وفور تألیفات و تصنیفات» می داند (طباطبائی بروجردی، ۱۴۲۶ق: ص ۱۷۷)؛ آیت الله فاضل لنکرانی نیز در تفصیل الشریعه نقل شیخ طوسی را مرجوح دانسته و در تأیید موضع خود می فرماید: «لکثرة اشتغالاته و تألیفات فی الفنون المختلفة الإسلامية بل له تألیفات متعددة فی فن واحد کالفقه» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق الف: ص ۲۳۴).

۷. محدث بحرانی در حدائق هنگام بحث از کتاب تهذیب بارها بر این نکته تأکید نموده است. در یک جا می‌فرماید: «لا یخفی علی من راجع التهذیب و تدبر اخباره ما وقع للشیخ علیه السلام من التحریف و التصحیف فی الاخبار سندا و متنا و قلما یخلو حدیث من أحادیثه من عله فی سند أو متن» (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ص ۱۵۶؛ و نیز ر.ک: شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۰۲). برخی از معاصران ضمن مبالغه‌آمیز خواندن دیدگاه صاحب حدائق، کلیت بیشتر بودن اشتباه در نقل شیخ در تهذیب را در مقایسه با محدثان متقدم بر ایشان تصدیق نموده‌اند (خوئی، ۱۴۱۰ق: ص ۲۵۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق: ص ۳۷۲).

۸. در مفتاح الکرامه در تضعیف صحیحۃ ابن سنان این چنین آمده است: «أعظم من ذلك إعراضهم عنها مع اشتهاها عندهم و نقلهم لها فی الكتب الفروع» (حسینی عاملی، بی‌تا: ص ۴۴۷).



کتابنامه

۱. ابن ادريس حلى، محمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم.
۲. ابن براج طرابلسى، قاضى عبدالعزيز (۱۴۰۶ق)، المهذب، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ نخست.
۳. ابن حمزه طوسى، أبوجعفر محمد بن على (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، منشورات مكتبه آية الله المرعشى النجفى رحمته، چاپ نخست.
۴. ابن زهره حلبى، سيد ابوالمكارم حمزه بن على (۱۴۱۷ق)، غنيه النزوع إلى علمى الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ نخست.
۵. ابن سعيد حلى، يحيى (۱۳۹۴ق)، تزهه الناظر فى الجمع بين الأشباه و النظائر، قم، منشورات رضى، چاپ نخست.
۶. ابن طى فقعانى، على بن على (۱۴۱۸ق)، الدر المنضود فى معرفه صيغ النيات و الإيقاعات و العقود، قم، مكتبة الإمام العصر (عج) العلمية، چاپ نخست.
۷. ابن غضائرى، ابوالحسن احمد (بى تا)، رجال، قم، بى نا.
۸. ابن فهد حلى، جمال الدين احمد (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ نخست.
۹. _____ (۱۴۱۰ق)، المقتصر من شرح المختصر، مشهد، مجمع البحوث الإسلاميه، چاپ نخست.
۱۰. اردبيلى (مقدس)، مولى احمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، ج ۱۴، قم، مؤسسه النشر الإسلامى، چاپ نخست.
۱۱. اشتهاردى، على پناه (۱۴۱۷ق)، مدارك العروة، ج ۲، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ نخست.

۱۲. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
۱۳. بهبهانی، محمدباقر (۱۴۲۸ق)، حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسة العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، چاپ نخست.
۱۴. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، جامع المسائل، ج ۵، قم، دفتر معظم له، چاپ دوم.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۳۲ق)، السنن الکبیر، ج ۱۶، قاهره، بی نا، چاپ نخست.
۱۶. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۵)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان، تهیه و تنظیم فهیم مصطفی زاده، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ نخست.
۱۷. تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحكام: کتاب الديات، قم، دار الصدیقة الشهیدة، چاپ نخست.
۱۸. ترحینی عاملی، سید محمد حسین (۱۴۲۷ق)، الزیدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۹، قم، دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم.
۱۹. حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام، ج ۲۶، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ نخست.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹ق)، الفقه: کتاب الديات، ج ۹۱، بیروت، دارالعلوم، چاپ دوم.
۲۱. حسینی عاملی، سید جواد (بی تا)، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۱۰، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ نخست.
۲۲. خمینی (امام)، روح الله (۱۳۷۹)، تحرير الوسيلة، ج ۲، قم، دارالعلم، چاپ نخست.
۲۳. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۶، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم.
۲۴. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۲، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ نخست.
۲۵. _____ (۱۴۱۰ق)، المعتمد فی شرح المناسک، ج ۴، قم، منشورات مدرسة دارالعلم، چاپ نخست.
۲۶. سبحانی، جعفر (۱۳۹۱)، تقریرات خارج فقه، جلسه ۱۳۹۱/۷/۳.

۲۷. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۲۹، قم، مؤسسة المنار، چاپ چهارم.
۲۸. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویة و الأحكام النبویة فی الفقه الإمامی، قم، منشورات الحرمین، چاپ نخست.
۲۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، ج ۵، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، چاپ نخست.
۳۰. شریف کاشانی، ملا حبیب الله (۱۴۲۸ق)، منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع کتاب الطهارة، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ نخست.
۳۱. شهید اول (شمس الدین محمد بن مکی عاملی) (۱۴۱۰ق)، اللعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت، دار التراث، چاپ نخست.
۳۲. _____ (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ج ۴، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ نخست.
۳۳. شهید ثانی (زین الدین بن علی عاملی) (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة، با حاشیه سید محمد کلانتر، ج ۱۰، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ نخست.
۳۴. _____ (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۵، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ نخست.
۳۵. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، النجعة فی شرح اللعة، ج ۱۱، تهران، کتاب فروشی صدوق، چاپ نخست.
۳۶. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۲۶ق)، نیل الأوطار من أسرار منتقى الأخبار، تحقیق و تعلیق أبو معاذ طارق بن عوض الله، ج ۸، قاهره و ریاض، دار ابن القيم للنشر و التوزیع و دار ابن عفان للنشر و التوزیع، چاپ نخست.
۳۷. شیخ صدوق (ابن بابویه قمی، محمد بن علی) (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱ و ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۳۸. _____ (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ نخست.
۳۹. _____ (۱۴۱۸ق)، الهدایة فی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ نخست.

٤٠. شيخ طوسی (محمد بن حسن) (١٣٨٧ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج٧، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم.
٤١. _____ (١٤٠٠ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ دوم.
٤٢. _____ (١٤٢٧ق)، رجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
٤٣. _____ (١٤٠٧ق الف)، تهذیب الأحكام، ج١٠، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
٤٤. _____ (١٤٠٧ق ب)، الخلاف، ج٥، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
٤٥. شیخ مفید (محمد بن محمد بغدادی) (١٤١٣ق)، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، چاپ نخست.
٤٦. صاحب جواهر (محمد حسن نجفی) (١٤٠٤ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، ج٤٣، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
٤٧. صافی گلپایگانی، لطف الله (١٤٢٣ق)، فقه الحج، ج٣، قم، مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، چاپ دوم.
٤٨. صناعی، یوسف (١٣٨٩)، التعليقة على تحرير الوسيلة، ج٢، تهران، مؤسسة العروج، چاپ دوم.
٤٩. طباطبائی بروجردی، آقا حسین (١٤٢٦ق)، تبيان الصلاة، ج٤، قم، گنج عرفان، چاپ نخست.
٥٠. طباطبائی، سید علی (١٤١٨ق)، رياض المسائل، ج١٦، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ نخست.
٥١. علامه حلی (حسن بن یوسف) (٣٨١ق)، رجال، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریة، چاپ دوم.
٥٢. _____ (١٤١٠ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، ج٢، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ نخست.
٥٣. _____ (١٤١١ق)، تبصرة المتعلمين فی أحكام الدين، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نخست.
٥٤. _____ (١٤١٣ق)، مختلف الشيعة فی أحكام الشريعة، ج٩، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

٥٥. _____ (١٤٢٠ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، ج٥، قم، مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام، چاپ نخست.
٥٦. علوی گرگانی، محمد علی (١٤٢٦ق)، التعليقة على تحرير الوسيلة، ج٢، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني عليه السلام، چاپ نخست.
٥٧. فاضل اصفهانی، محمد (١٤١٦ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج١١، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
٥٨. فاضل لنكرانی، محمد (١٤١٨ق الف)، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة: الحج، ج٤، قم، مركز فقه الأئمة الأطهار عليهم السلام، چاپ دوم.
٥٩. _____ (١٤١٨ق ب)، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة: الديات، قم، مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، چاپ نخست.
٦٠. فاضل مقداد (مقدادين عبدالله سيورى حلى) (١٤٠٤ق)، التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، ج٤، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى عليه السلام، چاپ نخست.
٦١. كاشف الغطاء نجفى، جعفر بن خضر (بى تا)، شرح طهارة قواعد الأحكام، نجف، مؤسسه كاشف الغطاء.
٦٢. كلينى، أبو جعفر محمد بن يعقوب (١٤٢٩ق)، الكافي، ج١٤، قم، دار الحديث للطباعة و النشر، چاپ نخست.
٦٣. كوفى عيسى، عبدالله بن محمد (١٤٠٩ق)، الكتاب المصنف فى الأحاديث و الآثار، ج٥، بيروت، دار التاج، چاپ نخست.
٦٤. گرامى قمى، محمد علی (١٣٩٠)، التعليقة على تحرير الوسيلة، ج٢، تهران، مؤسسة العروج، چاپ نخست.
٦٥. مجلسى (علامه)، محمد باقر، (١٤٠٦ق)، ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الأخبار، ج١٦، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى عليه السلام، چاپ نخست.
٦٦. محقق حلى (نجم الدين جعفر بن الحسن) (١٤٠٨ق)، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، ج٤، قم، اسماعيليان، چاپ دوم.
٦٧. مدنى كاشانى، آقا رضا (١٤٠٨ق)، كتاب الديات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
٦٨. مشكينى، ميرزا على (١٤١٨ق)، الفقه المأثور، قم، الهادى، چاپ دوم.

۶۹. خمینی (امام)، سیدروح‌الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ نخست.
۷۰. _____ (۱۴۲۶ق)، توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ نخست.
۷۱. نجاشی، ابوالحسن احمد (۱۴۰۷ق)، رجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷۲. نمازی اصفهانی (شیخ الشریعه)، فتح‌الله (۱۴۱۰ق)، إفاضة القدير فی أحكام العصور، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نخست.
۷۳. نوری (محدث)، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۸، بیروت، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، چاپ نخست.
۷۴. _____ (۱۴۱۷ق)، خاتمه المستدرک، ج ۴، قم، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، چاپ نخست.

